



بِسْمِ تَعَالَى

جلسه یازدهم سرکار خانم همیز

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

قبلاً گفتیم ایام فاطمیه را خیلی بزرگ بگیرید. حالا چرا ما این را این قدر طولانی‌اش کردیم گفتیم از ۱۳ جمادی الاول تا ۳ جمادی الثانی، به خاطر دو تاریخی بود که در اسلام دو روز اعلام شده، حالا برای بعضی از ائمه علیهم السلام مثلاً یک روز اعلام شده ولی برای بعضی از آن‌ها دو تا اعلام شده، علت این است که واقعاً آدم‌ها فراموش می‌کنند. مثلاً الان از شما پرسیم که حضرت امام خمینی^(ره) که در زمان ما از دنیا رفتند، چند شنبه بود شما چه می‌گویید؟ چهارشنبه بود؟ خوب. در صورتی که همه می‌دانیم که ۱۴ خرداد بود، اما چند شنبه بود؟ در سال ۶۸، همین الان تفاوت اظهارات شما راجع به تاریخ متفاوت است. چون تعداد را آن تاریخ‌نویس به نقل متواتر مراجعه کرده، گفته ۱۳ جمادی الاول یا سوم جمادی الثانی. (امام خمینی روز شنبه به رحمت خدا رفتند) ما شیعیان همیشه در پی فرهنگ‌سازی هستیم. این ایام را کلاً فاطمیه اعلام کردیم و خودمان، برای خودمان یک سری آداب تعیین کردیم. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: اگر مادرم زهرا^(س) بیشتر از ۱۸ سال عمر می‌کرد، احدی به جهنم نمی‌رفت.

یکی از دوستان که ما با هم قم درس می‌خواندیم به من یاد داد، یک شعری را خانم مرجعی خوانده بود. خانم این مرجع می‌گویند که هرچی نذر می‌کردم، حاجت نمی‌گرفتم. آخر یک روز می‌نشیند گریه می‌کند می‌گوید: یا فاطمه زهرا خسته شدم، هرچه چهله می‌گیرم، حاجت نمی‌گیرم. چکار کنم؟ همین طور که در خودش بوده می‌بیند در می‌زند، در را باز می‌کند می‌بیند یک خانمی با پوشیده به او می‌گوید: چرا نذر محسن من نمی‌کنی؟ می‌گوید: چه نذر کنم؟ می‌گوید: به یک زن زانو چه می‌دهند؟ گفت: کاجی. گفت: خانم، چه ذکری بخوانیم؟ خانم به زبان فارسی عربی یک مطلبی را گفتند که من سعی می‌کنم برایتان بنویسم.

(ای غنچه نشکفته	ای نوگل فردوسی	کشتند تو را مادر	با طرحه مخصوصی
نوگل من بود اصیر	درباب و حائط حصیر	ای نسل ولی الله	موعوده بی‌همتا
کشتند تو را اعداء)	(طرحه در زبان عربی یک جلسه می‌شود)		

دوستم گفت من این را یاد گرفتم و انجام دادم و خلاصه چقدر برکات داشت.

اتفاقاً امروز می‌خواستم راجع به همین با شما صحبت کنم که هر خانه یک حسینیه. آن‌هایی که روضه دارند که الهی شکر، آن‌هایی که ندارند حتماً بگذارند. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: هر وقت دور هم جمع می‌شوید، من



مشتاق عطر جان‌های شما هستم و آرزو می‌کنم در بین شما باشم. هر وقت دور هم جمع می‌شوید امر ولایت ما در بین شما تازه می‌شود من مشتاق عطر جان‌های شما هستم. دورهم بنشینیم، هم دیدارها تازه می‌شود، هم گله‌ها از بین می‌رود، هر خانم یک حسینه را در خانه‌تان اجرا کنید، برکات بسیار زیادی برایتان می‌آید و واقعاً بی‌نظیر است. من یکی از دوستانم الان معلم بازنشسته است، تعریف می‌کرد می‌گفت مادر من دهه محرم، ده روز روضه می‌گرفت. قدیم حیاط داشتند کنار حیاط هم تخت می‌گذاشتند، تابستان روی تخت می‌نشستند چای می‌خوردند. حیاط‌شان صفایی داشت. می‌گفت ما که روضه داشتیم آخر که روضه تمام می‌شد یک پارچه سفید روی تخت پهن می‌کردیم استکان‌های روضه را که مشستیم می‌گذاشتیم اینجا خشک بشود، بعد در جعبه می‌چیدیم برای سال آینده، غیر از ایام روضه، پسر ۲۱ ساله ما (برادرم) از پله‌ها داشت پایین می‌آمد پایش گیر کرد طوری زمین خورد که سرش مثل هندوانه ترکید فواره خون زد، بردیم روی این تخت دراز کشید، با یک دستمال سرش را بستیم، اورژانس آمد او را برد، ما گفتیم او کارش تمام است، آخر شب در بیمارستان برادرم به هوش آمد و دکتر گفت یک معجزه‌ای شده، ما تا حالا ندیدیم یک چنین مجروحی این قدر زود شفا بگیرد و حالش خوب بشود، مادرم بسیار خدا را شکر کرد و رفت بالای سر برادرم، سرش را بوسید. برادرم گفت: مامان، شما که مرا روی آن تخت گذاشتید، یک آقای سفیدپوش با شال سبز آمد دست کشید روی سرم. آبرویی که این خانواده برای امام حسین^(ع) قدم بر می‌داشتند، این خانم نوه‌اش الان مدال برنز المپیاد است، استاد دانشگاه شریف است، با امام حسین^(ع) باشید، نسل و تیره و تبارتان حفظ می‌شود. من دیدم خانه‌هایی که مداومت می‌کنند بر روضه، خیلی مسائل معنوی حفظ می‌کند. بعضی از دختران جوان فامیل را می‌بینم سالی یک‌بار روضه می‌گیرند. خیلی هم برکات در زندگی‌شان می‌آید، مثلاً یک خانمی بود تولد امام جواد^(ع) می‌گرفت، برادرش که بچه‌دار نمی‌شد، بچه‌دار شد اسم بچه‌اش را جواد گذاشتند. یک برکاتی خدا به این‌ها می‌دهد این گرفتاری‌هایی که همه از آن می‌نالند، تو خونه‌هایی که مراسم دارند، اصلاً گرفتاری نیست. چیزی هم به وجود بیاید، آنجا برطرف می‌شود. می‌خواهم بگویم این قدر برکات حضرت زهرا^(س) زیاد است، که ما مدیون و بدهکار آن‌هاییم.

یکی از خانم‌ها که خودش اهل تهذیب نفس است، می‌گوید: من در نوجوانی کبر داشتم، به واسطه این تمرین **مُفَارِقَةُ الْأَخْلَاقِ أَعْدَائِكُ** با سختی‌هایی که کشیدم، تکبرم از بین رفته، ولی حرص و بخل را هم از خودم دور کردم. توانستم خودم را کنترل کنم.

همین که شما هوشمند می‌شوید، به خودتان توجه می‌کنید، توجه خیلی برای شما برکات می‌آورد. پیام‌هایی که امروز برای من دادید، خیلی خوشحال شدم. حتی بعضی از ورقه‌شان عکس گرفته‌اند گذاشته‌اند که چرا و چگونه موفق شدم. من از این خانم خیلی راضی‌ام. برای من ورقه می‌نویسد با همان سر خطی که گفتم جواب می‌دهد.



باید شما در خانه تحول ایجاد کنید. یک تکان بخورد این خانه یخ زده است. باورتان نمی‌شود وقتی خانه‌ها یخ می‌زند، شاهد طلاق‌های پدر شوهرها و مادر شوهرها هستیم (وقتی بچه‌ها ازدواج می‌کنند). من یکی از این دوستانم که آدم خیلی ارزشمندی بود، ایشان دخترش را که شوهرداد، دخترش آمد پیش من گفت: خانم همیز، من چکار کنم؟ پدر شوهرم و مادر شوهرم همه‌اش با هم دعوا می‌کنند. حالا من تازه عروسم در ایام عقدم. مادر شوهرم این قدر خارش می‌کند که من اصلاً از اطاق بیرون می‌روم.

یک مدت که گذشت، بچه‌دار که شدند، حالا شوهرش شد عین پدر شوهر! رفت زن باز شد، فلان شد. ای داد بیداد. آن زن نسبت به شوهرش سرد مزاج جنسی بود، شوهرش را ذلّه کرده بود، شوهرش هم دنبال زن‌ها می‌رفت الان باید متوجه بشویم که باید در زندگی موقعیت‌های جدید ایجاد کنیم. من قبلاً هم گفتم، یک عالم ربّانی شما نیاز دارید که در زندگی شما حضور داشته باشد. من آقای جاودان را به شما توصیه می‌کنم. ایشان کلاس‌های زن و شوهری را مجمع کامل خوب دارد. حتی ایشان در مراسم‌های مقام رهبری هم شرکت می‌کنند، ایشان با آقای پناهیان در حسینیه‌های حق‌شناس برنامه دارند (خیابان مجاهدین) خانوادگی شرکت کنید و این خیلی برای شما مفید است. چون خانواده باید موعظه بپذیرند. حضرت محمد (ص) همیشه بعد از نماز در مسجد موعظه می‌کردند. و این روشی است که برای پیغمبر است.

ان شاء الله تا هفته دیگر خبر برای من بیاورید که توانستید خانه‌تان را به حسینیه تبدیل کنید برای حتی اعضای خانواده خودت. همین خودت و بچه‌ها و بابا یا مادر بزرگ یا کسی به خانه‌تان می‌آید بعد از شام برنامه داشته باشید. **(قطع شدن صدا و تصویر خانم همیز از دقیقه ۵۳:۴۵ تا ۱:۰۰:۵۵)**

من دیدم خانواده‌هایی که این مراسم‌ها را می‌گیرند، خیلی برکات برایشان می‌آید. هم بچه‌ها عادت می‌کنند، هم برکات زیادی دارد، قبل از این که داعش در سوریه بیاید، ما سوریه رفته بودیم. سوریه برای ایران یک فرودگاه جدا درست کرده بود. یعنی هفته‌ای یک روز هواپیما از آنجا به ایران می‌آمد و مسافر برمی‌داشت آنجا می‌برد فقط ما در فرودگاه بودیم. برای همین خیلی احساس خودمانی می‌کردیم. چون می‌دانید که سوریه مجموعه مسیحی و یهودی و بی‌حجاب و با حجاب، همه چیز وحشتناک است. یک هفته ما را به سوریه می‌بردند. همه‌جا را تماشا می‌کردیم. زیارت و خرید می‌کردیم. حتی ما را حلب می‌بردند. چون همسرم با من نبود ما چند تا خانم بودیم ترسیدم خارج از شهر آنجا بروم. **(قطع مجدد صوت و تصویر استاد تا ۱:۲۸:۰۰) (برق خانه و اینترنت قطع شد)**

حالا ان شاء الله که خیر است ولی این قطع و وصل امروز یک یادگاری می‌شود که تا آخر یادمان بماند باید برای ائمه در خانه‌مان مراسم بگیریم که با نور آن‌ها، زندگی‌مان نورانی شود.

یک رشته‌ای آمده‌است توسعه شهری، دانشگاه الزهرا گذاشته برای فوق‌لیسانس. خیلی هم جالب است. چهار پنج



سال است در ایران آمده. من دیدم یکی از خانم‌ها دارد توسعه شهری را می‌خواند. بعد یک عده دارند برای محل کار می‌کنند. چطور ما محله‌ها را مذهبی تربیت کنیم. الان دیگر ما از کارهای انفرادی باید بیرون بیاییم. چون دشمن ما دارد اجتماعی کار می‌کند با ماهواره و شبکه‌ها، اگر شما بروید درس بخوانید تازه نفس هستید و سن‌تان کم است، خوب خیلی خوب است. این مهارت‌ها را هم به بچه‌هایتان منتقل کنید هم مفید واقع شوید. یک روز فارسی خطبه حضرت زهرا^(س) را بخوانید. از خدا عزت بخواهید. نگوئید من دنیا و آخرت می‌خواهم. یک مرتبه بارتان سنگین می‌شود. من از یک آقای شنیدم که گفت وقتی اولین بار مکه رفتم، جوان بودم. به خدا گفتم: خدایا، مرا همین جا نگه دار! می‌گفت ۳۰ سال است من در مکه‌ام! خودش می‌گفت این دعایی که من کردم کمی با دانایی نبود، احساسی بود، ولی خوب، خدا قبولش کرد.

دعاهایی که می‌کنیم نمی‌دانیم به نفع‌مان است یا نه. به خدا بگوئید: اللهم اعزّتی فی عشیرتی و قوتی، این دعای یکشنبه امام سجاد علیه‌السلام است. اعزّتی یعنی خدایا عزت بده، **(قطع صدای استاد تا ۰۰:۴۱:۱)**

یکی از مادران: استاد، من در کلاس‌های شما توجه و مراقبت پیدا کردم که خیلی راضی‌ام. گرچه صد در صد نشده، ولی همین که حواسم به کارهایم جمع شده، خیلی خوشحالم.

استاد: الهی شکر، ما همین می‌خواستیم که این بیداری برای خودم به وجود بیاید. چون خیلی سفارش شده که تهذیب نفس کنید. که اگر چنین نکنید آن دنیا انسان، به شکل حیوان محشور می‌شود. این‌ها خیلی عالی است.

یکی از مادران: خانه و زمین خیلی مهم است. اگر صاحبانش مؤمن باشند سازنده‌شان هم تأثیر دارد. اگر خانه بودم آن‌قدر در خانه‌ام جلسه می‌گذاشتم که سخنران سخت پیدا می‌شود ولی خانه‌مان به زور توانستم یک روز مراسم بگیرم.

استاد: حالا ببینید، در خانه‌تان که حدیث کساء بخوانید، برکات نازل می‌شود. درست است. خیلی مهم است که به‌رحال افرادی که قبلاً در این خانه بودند چه کارهایی کردند. ولی خدا آیت الله بهجت را رحمت کند می‌گفتند سوره‌های ناس و فلق را در خانه زیاد بخوانید. حدیث کساء هم که خوانده شود خانه پر از ملائکه می‌شود. من واقعاً در خانه‌ای بودم که خیلی سنگین بود. ولی با حدیث کساء هزاران کار کردم، خدا می‌داند چه درهایی باز شد.

آدرس پیج‌های جاودان javdan.ir و در اینستاگرام است.

یکی از مادران: برای دخترم خیلی خواستگاری می‌آید.

پاسخ: شما برای دخترت آن صوت انتخاب همسر من را بگیرید به دخترت بده گوش بدهد. بعد صوت آیین ۱ و ۲ را هم بده گوش بدهد. بعد تربیت نسل طاهر رو بگیر. اول انتخاب همسر، آیین ۱ و ۲، توی انتخاب همسر



خیلی کمک‌تان می‌کند. بعد از همه این‌ها تربیت نسل ظاهر. در انتخاب همسر، من یک نماز استخاره یاد دادم آن را بخوانند.

یک همسایه داشتم این‌ها خیلی عقیدتی بودند. در فامیل‌هایشان عقیدتی‌های منحرف هم داشتند. نماز استخاره را که خواند به لطف الهی، خودش می‌گفت که من این قدر خدا را شکر می‌کنم، واقعاً آن آدم‌ها بد بودند می‌رفتند کنار، و خیالمان راحت بود که الکی رد نکردیم. می‌گفت خیلی خوشحالم. آن صوت من رو بده دخترت حتماً گوش کند.

یکی از مادران: سوره قدر را ۱۰ بار خواندم. الهی گره از کارتان باز شود.

یکی از مادران: روزی امروزمان، نذر حضرت محسن بود که گرفتیم الحمدلله.

یکی از مادران: خیلی ممنونم، خدا عاقبت‌تان را به خیر کند.

پایان مبحث

جلسه یازدهم سرکار خانم همیز